

تبلور اندیشه‌های شریعتی، فراتر از ایران

اندیشه استاد شریعتی در ابعاد مختلف فقط در ایران طرفدار ندارد. حرف های او به زبان های مختلف ترجمه شد و شریعتی توانست روشن فکری بین المللی باشد. اگر امروز برخی روشن فکران می‌کوشند بازخوانی خود را از آثار روشن فکران عرب به مخاطبان‌شان ارائه کنند، آثار شریعتی پنجاه سال است که توانسته است افکار روشن فکران عرب، ترک و افغانستانی را درگیر خود کند.

محمد شهید عبدالحی

دانشجوی دکتری فلسفه اخلاق

● تأثیر شریعتی بر جهان عرب

برای بررسی تأثیر شریعتی بر روشن فکران عرب و خاستگاه آن، باید نگاهی تاریخی به دهه‌های ۷۰ و ۸۰ میلادی انداخت. یعنی دهه شکست جهان عرب در همه ساحت‌های اقتصادی و فرهنگی و سیاسی. در این دهه‌ها، بیشتر فعالیت‌های اعراب ناکام مانده بودندانسان عربی، احساس شکست سنگینی در زمینه‌های مختلف می‌کرد. در چنین وضعیتی، افکار و سخنان انقلابی طرفدار و هواخواهان بی‌شماری پیدا می‌کرد. ازطرفی شکست ۱۹۶۷ یک فاجعه به تمام معنا برای انسان عربی بود. در همین دوران، جریانات چپ در بیشتر جهان عرب پراکنده شده بود، تاجایی‌که مسائل دینی نیز رنگ‌وبوی چپ پیدا کرده بود و سخن بر سر الهیات رهایی‌بخش بود. در چنین فضایی بود که شریعتی وارد جهان عرب شد.

اندیشه‌های شریعتی در جهان عرب، به شیوه‌های گوناگونی رسوخ پیدا کرد. شاید نخستین مسیری که تفکر شریعتی به واسطه آن به فضای فکری روشن فکران و فرهیختگان جهان عرب راه پیدا کرد، ارتباط‌های صمیمی و نزدیک شریعتی با انقلابیان الجزایری بود. شریعتی به انقلاب الجزایر اهتمام می‌ورزید، همان‌گونه‌که به‌همه‌انقلاب‌ها توجه می‌کرد و این برگرفته از روش و اندیشه او یعنی انقلاب علیه استبداد، استعمار و هر چیزی بود که با آزادی‌های حقیقی انسانی در تناقض است. از این رو در کثرتا انقلاب الجزایر ایستاد، آن را تأیید کرد و در بیشتر تظاهرات‌ها مشارکت می‌کرد. تأثیرات شریعتی همچنان در جامعه الجزایر وجود دارد و سخنان او هم اکنون نیز در شبکه‌های اجتماعی و میان جوانان الجزایری دست‌به‌دست می‌شود.

یکی از دلایلی که جهان عرب، شریعتی را به‌احتی پذیرفت، این بود که او به هیچ‌وجه فرقه‌گر نبود. او حتی هنگامی‌که از امام علی^(ع) سخن می‌گفت، فرقه‌گرایانه نگاه نمی‌کردو به همین دلیل، برای اهل سنت نیز به هیچ‌روی حساسیت برانگیز نبود، بنابراین شخصی که اهل سنت بود، نیز با شریعتی همراه و همداستان می‌شد. همچنین با وجود انتقادات شریعتی به برخی مقدسات اهل سنت، آن‌ها هیچ‌گاه احساس نمی‌کردند که او از پایگاه فرقه‌گرایانه، انتقادهای خود را مطرح می‌کند. ازطرفی نقدهایی که شریعتی بر مذهب خودش وارد می‌کرد، او را در نظر دیگر مذاهب انسانی، بی‌طرف معرفی می‌کرد.

● تأثیر شریعتی بر روشن فکران ترک

شریعتی با توجه به رویکرد و گفت‌مان منحصربه‌فرد خود، توجه جوانان اسلام‌گرا و همین‌طور سوسیالیست‌های ترکیه را به خود جلب کرد. پس از انقلاب و با کانون توجه قرار گرفتن ایران، تعدادی از آثار استاد شریعتی به زبان ترکی ترجمه شدو از همین رهگذار، مخاطب ترک با تفکر و اندیشه شریعتی آشنا شد. آثار دکتر شریعتی به‌طور مشخص از سال ۱۹۷۸ میلادی در ترکیه ترجمه شد و در ابتدا ترجمه این آثار از انگلیسی به ترکی صورت گرفت. جمیل مریچ، جامعه‌شناس و دانش آموخته سویرن، در زمره نخستین کسانی بود که پای شریعتی را به میان کشید. مریچ که هنگام تحصیل در فرانسه با شریعتی آشنا شده بود، افکار او را به مردم ترکیه و دانشگاهیان انتقال داد. او شریعتی را الگوی خودش می‌دانست و زمانی گفته بود آرزو می‌کند مانند شریعتی باشد. گروه‌های سوسیالیست ترک که ریشه‌های دینی نیز داشتند، به شدت تحت تأثیر اندیشه‌های شریعتی قرار گرفتند. بیان زیبا و پرکشش شریعتی، دلیل دیگری بود که جوان تحصیل‌کرده ترک را علاقه‌مند خواندن آثار او می‌کرد، البته در همان سال‌ها، کتاب‌های شهید مطهری، سید قطب و حسن‌الینا نیز در جامعه ترکیه، مخاطب بسیار داشت.

یکی دیگر از دلایل اقبال مخاطبان ترک به آثار شریعتی، جهان‌بینی مردم و تحصیل‌کردگان ترکیه است که برخاسته از مدل‌های اسلام نواندیشانه و سنت چپ عربی مسلمان است که مدل‌های مختلف اسلام متجدد هستند. ترکیه با پیشینه امپراتوری بیزانس، سرزمینی تاریخی است که محل تلاقی تمدن‌های مختلف غربی و شرقی است. همچنین در طول سالیان دراز، نحوه برخورد اروپاییان با ترکیه بر سر عضویت در اتحادیه اروپا، دلخوری مردم این کشور را در پی داشت و باعث شده دنبال هویتی باشند که باخویشتن آن‌ها ارتباط داشته باشد و خویشتن حقیقی آن‌ها را بتواند نمایان سازد، ازاین‌رو و به‌خاطر اینکه شریعتی از خویشتنی صحبت می‌کرد که نه ناسیونالیسمی بود نه مذهبی، بلکه خویشتنی فرانسویانلیستی و فرامذهبی بود، مردم ترکیه که ریشه دینی دارند، همدلانه و با شوق، روی به آثار دکتر شریعتی آوردند.

● تأثیر شریعتی در افغانستان

بی‌گمان هیچ یک از اندیشمندان ایرانی نتوانسته‌اند توفیق و اقبالی به اندازه شریعتی در افغانستان داشته باشند. اوایل انقلاب ایران در دانشگاه‌های افغانستان مانند کابل و بلخ، کتاب‌های شهید مطهری، دکتر شریعتی و سید قطب بسیار خوانده می‌شد و به عقیده برخی‌ها هنوز هم کتاب‌های استاد حرف اول را در محیط‌های علمی افغانستان می‌زند. در افغانستان افزون بر هم‌زبانی که در ورود اندیشه‌های دکتر شریعتی به این کشور بسیار مؤثر بوده، فضای سیاسی ملو از جهاد و مبارزه در دهه ۸۰ میلادی نیز زمینه‌ساز اقبال به اندیشه‌های دکتر شریعتی بوده است.

در سال ۱۳۵۷ کمونیست‌ها یعنی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، در این کشور به قدرت رسیدند و گروه‌های اسلامی و مارکسیست‌های مخالف شوروی به نبرد مسلحانه علیه رژیم کمونیستی افغانستان پرداختند. در این زمان بود که آثار و سخنرانی‌های شریعتی به‌وسیله مبارزان جبهه‌های جنگ و مقاومت به افغانستان وارد شد. در سال‌های نبرد با اتحاد شوروی و شدت یافتن منازعات سیاسی، لایه‌های مختلف اجتماعی‌اعم از روشن فکران دینی، لایک‌ها، مارکسیست‌ها و چپ‌های منتقد شوروی به آثار دکتر شریعتی علاقه‌مند شدند. در تمام سال‌های جهاد، مبارزه و مقاومت مردم افغانستان تا سقوط حکومت دکتر نجیب، آثار شریعتی میان افشار مختلف دست‌به‌دست می‌شد. سال‌های پس از ۱۳۵۷ نیز گروه‌ها و احزابی مانند «نصر» و «مستضعفین» تحت تأثیر افکار و اندیشه‌های استاد شریعتی در افغانستان شکل گرفت.

گفتاری از دکتر علیرضا واسعی در تحلیل وضعیت اجتماعی و سیاسی دوران امام علی‌النقی^(ع)

همگرایی برای بیان حقیقت

حسینی نژاد

دوران آخرین امامان شیعه، همواره همراه اختناق شدید و خفقان بی سابقه‌ای بود که شاید در دوره‌های قبلی نیز نظیر نداشت. چنان‌که می‌دانیم، در دوره صدقین (علیهما السلام) با وجود تنگناهایی که نهاد خلافت بر پیروان مکتب اهل بیت^(ع) اعمال می‌کرد، کرسی‌های درس و بحث ایشان برپا بود. اما بعد از دوره امام رضا^(ع)، وضعیت شیعه و انتماش وارد مرحله تازه‌ای شد که هر نوع گرایش به خاندان پیامبر^(ص) یا سرکوب قوری و شدید مواجهه می‌شد؛ چنان‌که بعد از احضار حضرت هادی^(ع) از مدینه و تبعید ایشان به سامرا، آن حضرت مدتی از عمر شریفشان را در قسمت معینی از قصر سلطنتی گذراندند تا به این وسیله تحت کنترل مستقیم و نظارت شدید قرار بگیرند. درواقع دستگاه خلافت با همان سیاستی امام هادی^(ع) را از مدینه به سامرا فراخواند که جدشان امام رضا^(ع) را به مرو فراخوانده بود. از مدت‌ها پیش از امام‌های^(ع) اقبال به خاندان پیامبر^(ص) درمیان امت اسلامی رونق گرفته بود که البته این رونق محدود به شیعیان نمی‌شد. بعد از حوادثی از قبیل عاشورا، واقعه حژه، به منتجیق بستن کعبه و سایر اقداماتی که سفینیان و مروانیان انجام دادند، کم‌کم حقانیت اهل بیت رسول^(ص) برای مؤمنان به اسلام آشکار می‌شد. به بیان دیگر به موازات افول ستاره بخت خلافت امویان، سرمایه اجتماعی خاندان اهل بیت پیامبر^(ص) و قدرت مدنی ائمه شیعه کم‌وبیش در تمام امت اسلامی- فرق و مذاهب مختلف- در حال افزایش بود. این قدرت مدنی و سرمایه اجتماعی با افتادن بنی‌امیه از بین نرفت و در دوران خلافت بنی عباس نیز همچنان به رشد خود درمیان توده‌های مردم ادامه داد، تاجایی‌که خلفای عباسی که با شعار «الرضا من آل محمد^(ص)» بر سریر قدرت نشستند، در صدد محدود کردن ائمه^(ع) و کنترل نفوذ اجتماعی ایشان برآمدند. برای کاوش هرچه بیشتر در سیره امام‌های^(ع) و تحلیل منش راهبردی ایشان برای هدایت شیعیان، در ادامه گفتاری از دکتر علیرضا واسعی، عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، را می‌خوانید.

امام دهم در دوره‌ای از تاریخ اسلام زیست که جامعه اسلامی از نظر سیاسی درگیر فضای اختناق آلود و سخت‌گیرانه خلفای عهد دوم عباسی بود. بیشترین دوره زندگی امام، هم‌زمان با متوکل بود و بیشترین اطلاعات به‌جامانده از حیات فرهنگی اجتماعی آن حضرت مربوط به همین دوره است. متوکل به بدترین و آشکارترین شکل به ستیز و دشمنی با آل علی^(ع) و آیین‌های آنان می‌پرداخت و با هر بهانه در صدد تضعیف و آزار امام‌های^(ع) برمی‌آمد و به تعبیر شیخ طبرسی، می‌کوشید امام را در دیدگان مردم کوچک سازد، اما موفق نشد.

این دوره از نظر فرهنگی نیز دچار چند مشکل جدی بود که آثار و پیامدهای آن، فضای جامعه را بیشتر تیره و نامتعادل ساخته بود؛ از جمله مسئله جبر و اختیار که مجادله ریشه‌دار میان اشاعره و معتزله را نشان می‌داد و مسئله مخلوق یا ازل‌ی بودن قرآن که اندیشه و آندهان بزرگان زیادی را به خود مشغول کرده و درگیری‌هایی را رقم زده بود و امام^(ع) در چنین اوضاعی به هدایتگری و رهبری جامعه پرداخت.

● رویکرد اخلاقی و توجه به زیست ارزشی

تقابل میان طالبیان و عباسیان از گدشته‌های دور وجود داشت، به‌ویژه از دوره مأمون عباسی که امام رضا^(ع) را به عنوان شایسته‌ترین فرد از خاندان رسول خدا^(ص)، به ولایتعهدی خویش برگزید و براساس داده‌ها حتی برای واگذاری خلافت، اعلام آمادگی کرد. از این‌رو عباسیان دچار ترس شده بودند و به اندک بهانه یا گزارشی به مقابله با طالبیان برمی‌خاستند، بنابراین طبیعی بود که متوکل، خلیفه متعصب و بنابرین عباسی، نتواند از کنار امام‌های^(ع) به‌احتی خودکامه عباسی، نتواند از کنار امام‌های^(ع) دنیا بگذرد. از این‌رو حضرت را از مدینه به سامرا کشاند تا بهتر بتواند بر فعالیت‌های ایشان نظارت کند؛ البته برپایه برخی داده‌ها، او امام را با تجلیل و تعظیم نزد خود فراخواند. اصلاح جامعه با بیان نکات اخلاقی، توجه دادن به ارزش‌ها و گذر از بودن مقام‌ها و نعمت‌های دنیا در سخنان نقل شده از امام، نقطه مقابل فعالیت‌های مبارزه‌جویانه و سیاسی است. منظور این است که امام وظیفه هدایت جامعه و اصلاح اخلاقی و فکری آن را برعهده داشته و فعالیت‌های سیاسی برای مبارزه با دستگاه حاکمیت در همه اعصار، امری ثانوی و تبعی بوده است.

برخی محققان با رویکردی سیاسی و انتظار مبارزه‌جویی از ائمه^(ع) که آن را تنها وجه کارکردی و

پرسنده و پاسخ‌گو، هر دو در آن شریک هستند. آن‌گاه تصریح کرده‌اند خداوند خالق است و هرچه جز او، آفریده و مخلوق است. بدین صورت امام^(ع) بحث قدیم بودن قرآن را بی‌اساس می‌داند.

● بیان اعتدالی حقیقت مذهب

مبارزه با کزاندیشی‌های مذهبی شاید مهم‌ترین اقدام پیشوایان شیعی و انسانی‌ترین آن‌ها به‌شمار آید. اهمیت آن بدان دلیل است که ظهور کزاندیشی، موجب تحریف حقیقت مذهب و زمینه سودجویی برخی افراد خواهد شد و داوری‌های غلطی را متوجه مذهب خواهد کرد. امام در مبارزه با این انحراف‌ها هرگز به منافع خود یا صیانت از موقعیت خویش نمی‌اندیشند. این شیوه، مخصوص رهبران

الهی است. بیشتر افراد در اقدامات اجتماعی به سود خویش رفتار می‌کنند و کمتر انسانی است که با راسمانشانه بکوشد. اما امام‌های^(ع) همچون دیگر امامان صرفا برای خشنودی خداوند و مصلحت انسان‌ها دست به اقداماتی می‌زدند که یکی از آن‌ها برخورد با اندیشه غالیان بود.

غالیان افرادی افراطی بودند که برای ائمه^(ع)، شئون فرابشری قائل بودند. چیزهایی می‌گفتند که با شریعت اسلامی سازگاری نداشت و با تاویل احکام الهی، شریعت را نفی می‌کردند و بدین‌گونه درمیان مردم پیروانی می‌یافتند. اینکه چرا این عقاید درمیان مردم رواج می‌یابد و ریشه آن چیست، بحثی با اهمیت و مقابله با آن، امری خطیر و پرهزینه است. امام‌های^(ع) در برابر این‌ها همانند پدرانشان با

تمام توان ایستادند و کوشیدند راه میانه و معتدل را معرفی کنند و حتی در برخی مواقع، سخت‌ترین برخورد فیزیکی شیعیان با آن‌ها را مجاز می‌شمردند.

● بهره‌گیری روشی انسانی در بیان حقیقت

پاشاری بر حقانیت مذهب، چه در عرصه عقاید و چه در عرصه‌های دیگر، مایه نزاع و جدال بسیار شده و تنش‌ها و خشونت‌هایی را به بار آورده است. اما پیروی از روش درست، می‌تواند برکاهش ناملامت‌ها و خصومت‌ها اثری جدی بگذارد، به



دکتر علیرضا واسعی:
دو مسئله مهم فکری در عهد امامت امام علی‌النقی^(ع)، مایه گفت‌وگوها و مجادله‌های گسترده بود؛ یکی مقوله خلق و قدم قرآن و دیگر جبر و تفویض (اختیار مطلق). درگیری جامعه اسلامی با این دو مسئله، از تقابل اندیشه‌ها گذر کرد و به جدال فرهنگی کشیده شد

تمام توان ایستادند و کوشیدند راه میانه و معتدل را معرفی کنند و حتی در برخی مواقع، سخت‌ترین برخورد فیزیکی شیعیان با آن‌ها را مجاز می‌شمردند.

کاتبان و راویان اهل سنت نهج‌البلاغه

«سبط بشر حافی» است. این سند از طرق شنی مشهور عالمان امامی ایران در قرن ششم به کتاب نهج‌البلاغه بوده است. راوی مستقیم سید رضی در این سند، یکی از نوادگان دختری بشر حافی (بشر بن حارث مروزی از مشایخ صوفیه قرن سوم) به نام عبد‌الکریم بن محمد بن احمد ابن هارون شیرازی (زنده در ۴۴۷ق) است. او در جلسه قرائت کتاب نهج‌البلاغه بر سید رضی حاضر بوده است، «قُری علی الشریف‌الرضی رضی...» عنه کتاب نهج‌البلاغه و انا اسمع،

مهم‌ترین این جشن‌ها در دو دسته کلی اعیاد و دیگر جشن‌ها و چهار دسته فرعی تقسیم شده‌اند. ذیل هر دسته، مهم‌ترین مصادیق آن معرفی و تاریخچه هرکدام بررسی شده است. درمجموع در این فصل، خواننده شناختی اجمالی با ۳۳ جشن اسلامی شیعی پیدا می‌کند.

بخش دوم کتاب، بدنه اصلی آن است. در نخستین فصل این بخش، گزارشی آماری از اسناد بررسی‌شده در کتاب و پدیدآورندگان اثرانه شده است. منظور از سند، هر متن مکتوب یا تصویری است که ناظر به یک موقعیت آیینی منخص باشد.

کتاب «جشن‌های اسلامی شیعی در ایران برپایه گزارش‌های سفرنامه نویسان، مستشرقان و ایران‌شناسان (از دوره صفوی تا پهلوی اول)»، در فصل سوم الگوی برای سنخ‌شناسی آیین‌های جشن در اسلام و تشیع ارائه شده است که در آن،

اهتمام داشته‌اند. نسخه‌های کهن نهج‌البلاغه و اجازات باقی‌مانده، نشان دهنده توجه به قرائت و کتابت نهج‌البلاغه در برخی مناطق مانند خراسان بزرگ (به‌ویژه نیشابور) و خوارزم و عراق عجم (به‌خصوص اصفهان و کاشان) و عراق عرب (مانند بغداد و موصل) و یمن است. البته بودند افرادی که ترویج این کتاب برایشان ناخوشایند بود و در محتوای آن تردید می‌کردند. بیشتر این افراد با گرایش اهل حدیث و سلفی بوده‌اند و بعضی از این تردیدها تا الان نیز ادامه

روایت مستشرقان از جشن‌های ایرانیان

به دلیل فقر ادبیات «تاریخ اجتماعی» و فقدان این روش علمی در آثار نویسندگان و تاریخ‌نگاران ایرانی و اسلامی تا پیش از دوره معاصر، سفرنامه‌های خارجیان منحصربه‌فرد و ارزشمند در شناخت جامعه ایرانی به‌ویژه در قرن‌های دهم تا سیزدهم هجری محسوب می‌شود. جایگاه «بیگانه» (غیرباورمند غیرومی) موقعیت ممتازی برای پدیدآورندگان این آثار فراهم آورده بود تا حیات روزمره و فرهنگ عمومی جامعه ایرانی را از بیرون و به‌مثابه ابژه ببینند و بشناسند و گزارش کنند.

کتاب «جشن‌های اسلامی شیعی در ایران» در دو بخش و درمجموع هشت فصل سامان یافته است. در بخش نخست آن که حکم مدخل تحقیقی



تصویری از حرم امام‌های (ع) و امام‌عسکری (ع) در دوره ایلخانیان، عیدان...، قاهر



به روایت

استاد



کتاب

شناخت